

موانع پیشرفت جوامع اسلامی از منظر علامه محمد تقی مصباح یزدی

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

علی اکبر عالمیان^۱، حسین عبدالحمیدی^۲

چکیده

مسئله پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی، در شمار مهم ترین مسائل جهان اسلام است که اندیشمندان و متفکران مسلمان و غیر مسلمان درباره آن سخن گفته اند. علامه محمد تقی مصباح یزدی نیز به عنوان یک فیلسوف و اسلام شناس، با رویکرد فلسفی و دینی در این باره مطالب فراوانی مطرح کرده است. **هدف:** در این تحقیق، موانع پیشرفت جوامع اسلامی از منظر ایشان مطالعه شده است. **روش:** روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به مکتوبات و بیانات علامه مصباح تنظیم شده است. **یافته‌ها و نتایج:** او موانع پیشرفت جوامع اسلامی را در چهار ساحت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار داده است که مهم ترین آنها عبارتند از: عدم شناخت اسلام، سلطه فرهنگی بیگانگان، ضعف باورهای دینی، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی، خودباختگی و تقلید کورکورانه، در ساحت فرهنگی؛ حاکمیت رهبران ناصالح، سلطه کفار و بیگانگان و تفکر جدایی دین از سیاست، در ساحت سیاسی؛ تعصبات نابجای مذهبی و قومی و نژادی، تفرقه و کشمکشهای اجتماعی و شکل‌گیری هویت‌های جدید بر اساس ارزشهای غیر اسلامی، در ساحت اجتماعی و اسراف و تبذیر، رباخواری و دنیاطلبی و اشرافی‌گری خواص در ساحت موانع اقتصادی.

واژگان کلیدی: محمد تقی مصباح یزدی، پیشرفت، انحطاط، جوامع اسلامی.

♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

۱. دکترای تاریخ اهل بیت علیهم السلام (نویسنده مسئول). Najva110@gmail.com

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه. Hoseinmohammadi31@yahoo.com

الف) مقدمه

مسئله پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی، در شمار مهم‌ترین مسائل جهان اسلام است که اندیشمندان مسلمان با رویکردهای گوناگون درباره آن سخن گفته‌اند. مطالعه مسئله پیشرفت، در حقیقت بررسی وضعیت موجود و مطلوب و رابطه آن با دیگر موجودات هستی است. به عبارت دیگر؛ الگوهای توسعه و پیشرفت، الگوهای شدن و تحول انسان و اجتماع و طبیعت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و در واقع؛ هدایت و راهنمایی جوامع انسانی به سوی اهداف و غایات مد نظر است. به همین سبب، هر مکتبی بسته به تعریفی که از انسان و اهداف نهایی آن دارد، مقوله پیشرفت و عقب‌ماندگی و انحطاط را تعریف می‌کند. اینکه کدام جامعه پیشرفته است و کدام جامعه عقب‌مانده، بستگی به نوع نگاه هر مکتب دارد. اگر غایت و سعادت انسان، کامجویی از لذایذ مادی تعریف شود؛ طبعاً جامعه پیشرفته جامعه‌ای است که زمینه‌های بهره‌مندی انسانها از امکانات مادی در آن فراهم‌تر باشد. اما اگر سعادت انسان را قرب الهی بدانیم، تعریف ما از جامعه پیشرفته متفاوت خواهد بود. با توجه به تعریفی که اسلام از انسان و سعادت بشری دارد، الگویی که برای پیشرفت ارائه می‌دهد، الگوی خاصی است. در این مقاله پس از تبیین الگوی پیشرفت جامعه از منظر علامه مصباح یزدی، موانع پیشرفت را از منظر ایشان مرور می‌کنیم. گفتنی است که آیه‌الله مصباح یزدی از جمله عالمان و اندیشمندان مسلمان است که در این باره با رویکرد فلسفی و دینی سخن گفته‌اند.

درباره پیشینه تحقیق، گفتنی است که سید عبدالحمید ثابت و همکاران در کتاب «ماهیت و چیستی پیشرفت» (۱۳۹۳)، پس از تبیین سیر تحول مفهومی و تبیین نظریه‌های پیشرفت در اندیشه متفکران غربی، فصلی را به نظریه‌های پیشرفت در اندیشه متفکران اسلامی اختصاص داده و به ترتیب به بررسی نظریه‌های علامه طباطبائی، شهید صدر، شهید مطهری، آیت‌الله مصباح، امام خمینی و مقام معظم رهبری پرداخته‌اند. در بخش مختص به نظریه آیت‌الله مصباح نیز به چیستی، اهداف و عرصه‌ها پرداخته‌اند. همچنین مقالات، کتابها و پایان‌نامه‌های متعددی درباره ماهیت، عوامل و موانع پیشرفت و علل انحطاط و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی از منظرهای گوناگون نوشته شده است؛ از جمله: «تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمانان» (داریوش رحمانیان)، «علل و عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی در جهان اسلام» (در آینه نوگرایی و اصلاحگری) (امین فرخان)، «علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمانان» (زین‌العابدین قربانی) و همین‌طور پایان‌نامه «علل و عوامل انحطاط مسلمین و راههای برون‌رفت از آن از دیدگاه امام خمینی» (علی‌اکبر عالمیان). اما در خصوص دیدگاه

علامه مصباح یزدی درباره موانع پیشرفت، نگاشته‌ای به رشته تحریر درنیامده است و تحقیق حاضر، مسئله جدیدی را بررسی کرده است.

ب) مفهوم‌شناسی

۱. واژه پیشرفت

«پیشرفت» واژه مرکب از پیش و رفت است که در لغت به معنای پیش رفتن، جلو رفتن، پیروزی و ترقی تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۳۰۹). با توجه به نوظهور بودن واژه پیشرفت در ادبیات سیاسی و اجتماعی، تعریف آن از نظر اصطلاحی امر آسانی نیست. باید با تحلیل مفهومی و نشان دادن لوازم مفهومی آن، به تعریف دست پیدا کنیم.

علامه مصباح یزدی در تعریف مفهوم پیشرفت می‌گوید: «وقتی انسان (یا جامعه) هدفی داشته باشد و برای رسیدن به آن هدف در حال حرکت باشد، پیشرفت به این معناست که فاصله فعلی با مقصد، کمتر از قبل شده است؛ گاهی به افزایش شتاب حرکت به سوی هدف نسبت به شتاب آن در گذشته، پیشرفت گفته می‌شود و گاهی نیز پیشرفت با مقایسه دو جامعه با یکدیگر تعیین می‌شود که تقسیم کشورها به پیشرفته و غیر پیشرفته بر اساس همین معیار انجام می‌شود و پیشرفت در جایی به کار می‌رود که هدفی وجود داشته باشد». (بیانات در نهمین همایش کشوری الزامات فرهنگی پیشرفت)^۱

در اندیشه آیت‌الله مصباح، نقطه اختلاف در محافل آکادمیک دنیا درباره «پیشرفت» و مؤلفه‌ها، عوامل و موانع آن، به این برمی‌گردد که اولاً، هدفی که برای پیشرفت در نظر گرفته شده، چیست؟ ثانیاً، به سوی چه مقصدی باید حرکت کنیم؟ و ثالثاً، راه رسیدن به آن مقصد چیست؟ (مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ۵: ۲۸). وی معتقد است که با روشن شدن پاسخ این سؤالات، می‌توانیم بفهمیم چگونه باید در مسیر «پیشرفت» حرکت کنیم. (همان)

آیت‌الله مصباح ضمن نقد و نفی آنانی که پیشرفت را به معنای غربی آن تعریف می‌کنند، تحقق واقعی پیشرفت را در سایه دین دانسته و می‌گوید: «اگر در مسیری که حرکت می‌کنیم، در زمینه علمی، اقتصادی، سیاسی و... رشدی حاصل شود که ما را به کمال الهی خود نزدیک می‌کند، این پیشرفت خواهد بود؛ اما اگر ما را از کمال معنوی و قرب به خدا دور کند، اصلاً پیشرفت نیست». (بیانات در نهمین همایش کشوری الزامات فرهنگی پیشرفت)^۲

1. www.mesbahyazdi.ir/node/5254

2. www.mesbahyazdi.ir/node/5254

وی در یک بیان، پیشرفت از نگاه اسلام را اینگونه تعریف می‌کند: «از نظر اسلام، ملاک پیشرفت آن است که حرکت انسان در این عالم در زمینه امور فردی، معنوی، علمی، صنعتی، اقتصادی، سیاسی و... به گونه‌ای باشد که ما را به قرب الهی برساند؛ این پیشرفت اسلامی است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ۲۹). بنابر این، منظور ما از واژه پیشرفت، همان کمال مطلوبی است که اسلام برای سعادت انسان تعریف کرده است.

۲. انحطاط

«انحطاط» مقابل پیشرفت و از ماده «حَطَّ» به معنای فرو فرستادن چیزی از بالا به پایین است (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۲۳۷؛ ر.ک: سیاح، ۱۳۷۹: ۳۷۲). «حَطَّطْتُ الشَّيْءَ أَحَطَّهُ حَطًّا = انزال الشَّيْءِ مِنْ عَلْوٍ». این کلمه از آنجا که مصدر باب انفعال به شمار می‌رود و این باب نیز برای مطاوعه (اثرپذیری) می‌باشد، به معنای قبول نزول و سقوط آمده است. به همین سبب در بسیاری از کتابهای لغوی، به معنای گوناگونی از قبیل فرود آمدن، به پستی گراییدن، به کمی نهادن چیزی اشاره شده است. (معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۷۰؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۷۶؛ دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۸: ۳۲۷)

آنچه می‌توان از معنای لغوی این واژه استنتاج کرد و به عنوان معنای اصطلاحی ارائه داد، «خارج شدن فرد و جامعه از مسیر سالم و حق و گرایش به سمت تنزل» است.

همان‌طور که در معنای پیشرفت بیان شد، هر مکتبی بر اساس زیربنای فکری و جهان‌بینی خاص خود، پیشرفت و انحطاط را تعریف می‌کند. برای مثال، افراد طبیعت‌گرا، کمال را در لذت بردن بیشتر و انحطاط را در از دست دادن زمینه‌های لذت می‌دانند. نیچه هم که مادی‌گراست و اعتقادی به ماورای طبیعت و متافیزیک ندارد، کمال را در قدرت جستجو می‌کند و انحطاط را در از دست دادن قدرت می‌داند. اسلام، کمال را در قرب الی‌الله و لقاءالله می‌داند؛ لذا هر کسی در این مسیر قرار گیرد، در مسیر تعالی است و هرچه انسان و جامعه با خداوند فاصله بگیرد، رو به انحطاط رفته است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۶۳)

ج) گونه‌شناسی موانع پیشرفت جوامع اسلامی در اندیشه آیت‌الله مصباح

۱. موانع فرهنگی

در اندیشه آیت‌الله مصباح، موانع فرهنگی مهم‌ترین موانع پیشرفت جوامع اسلامی‌اند. مقصود علامه از فرهنگ، کلی‌ترین بینش و نگرشی است که جامعه نسبت به جهان دارد. لذا باورها و ارزشهای اخلاقی، مهم‌ترین ارکان فرهنگ‌اند که دین عهده‌دار آنهاست. او بر این باور بود اگر فرهنگ در جامعه در حال رشد و جوانه زدن نباشد، مبتلا به رکود و عقب‌گرد شده و

در نهایت، به مرگ فرهنگی مبتلا می‌شود. (بیانات در جمع مدیران مرکز پژوهش و مرکز سنجش و پژوهش صدا و سیما)^۱

یک) عدم شناخت اسلام

یکی از موانع مهم فرهنگی پیشرفت جوامع اسلامی، عدم شناخت دقیق و درست اسلام است. از نگاه آیت‌الله مصباح، اسلام مجموعه قوانینی مرتبط با یکدیگر همانند اعضای بدن انسان است که تعطیل کردن بخشی از آنها منجر به تعطیلی کل آن خواهد شد. همچنین از نگاه علامه، معارف اسلام مانند درخت، دارای اصل و فرع است؛ همان‌گونه که درخت دارای ریشه و ساقه و شاخه و میوه است و قسمت ریشه مهم‌ترین بخش است، در اسلام نیز برخی از معارف همانند باورها و اعتقادات بسیار مهم‌ترند و حکم ریشه را دارند. عدم شناخت اسلام، عدم توجه به تعالیم اسلام را به دنبال دارد و مانع مهم در تحقق جامعه ایدئال است. (بیانات در بیست و هشتمین نشست انجمن فارغ‌التحصیلان مؤسسه مصباح)^۲

آیت‌الله مصباح می‌گوید: «شناخت مانند چراغی است که راه را روشن می‌کند و انگیزه، نیروی محرکه‌ای است که انسان را به حرکت وادار می‌دارد و نقصان در شناخت، مانع رسیدن به نتیجه مطلوب می‌شود» (بیانات در جمع اعضای جامعه ایمانی مشعر)^۳. بر همین اساس، او معتقد است برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، نخست باید اسلام را شناخت؛ زیرا اسلام دین کاملی است و تمام نیازهای مادی و معنوی انسانها را تأمین می‌کند و سعادت حقیقی انسان در گرو شناخت اسلام و عمل به آن است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/ج: ۱۸-۱۷)

دو) ضعف باورهای دینی

دومین مانع فرهنگی پیشرفت جوامع اسلامی، ضعف باورهای دینی مردم، به ویژه جوانان است که به تعبیر علامه مصباح، موجب نگرانی بوده و برای رهایی از آن باید برنامه‌ای گسترده و عمیق برای آشنایی توده مردم با تفکر صحیح اسلامی و بینش سیاسی و خودسازی برگزار شود. (بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت)^۴. به اعتقاد علامه مصباح، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بشریت، ضعف عقیده و باورهای دینی است (بیانات در دیدار با عالی‌جناب سبزواری سرکیسیان سراسقف ارمنه تهران و شمال)^۵. وی معتقد است که در دهه‌های اخیر، افرادی در

1. www.mesbahyazdi.ir/node/6292
2. www.mesbahyazdi.ir/node/5181
3. www.mesbahyazdi.ir/node/7092
4. www.mesbahyazdi.ir/node/2582
5. www.mesbahyazdi.ir/node/5851

مسائل ضروری اسلام دچار تردید شدند یا از آنها تفسیرهای غلط در ذهن دارند(مصباح یزدی، ۱۳۹۰/ب: ۱۹) و این از زمینه‌های انحطاط جوامع اسلامی است.

سه) سلطه فرهنگی بیگانگان

از مهم‌ترین موانع فرهنگی پیشرفت در اندیشه آیت‌الله مصباح، سلطه فرهنگی بیگانگان است که در عصر حاضر با قدرت رسانه‌ها در حال انجام است. سلطه فرهنگی یا هژمونی فرهنگی^۱ به معنای نفوذ و تسلط فرهنگی یک گروه بر گروهی دیگر است. نظریه سلطه فرهنگی که به امپریالیسم فرهنگی نیز تعبیر شده، بر این نکته استوار است که ارزشها و باورهای جوامع قدرتمند به گونه‌ای استثمارگرانه بر جوامع ضعیف تحمیل می‌شود. واژه امپریالیسم فرهنگی، نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از راه آن یک کشور، تصورات، ارزشها، معلومات و هنجارهای رفتاری و نیز روشهای زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند.(امیری، ۱۳۸۸: ۵۶)

از این اتفاق تلخ به «تهاجم فرهنگی» نیز یاد می‌شود. او در تعریف این واژه می‌گوید: «یعنی ایجاد تغییر نامطلوب به وسیله گروهی در جامعه تا ارزشها را به ضد ارزشها تبدیل کنند؛ باورهای صحیح را از مردم بگیرند؛ تردید، وسوسه، بی باوری، وارفتگی و وانهادگی در مردم ایجاد کنند؛ حالت پوچگرایی یا باورهای کاذب و ارزشهای غلط به جامعه تزریق کنند. منظور از هجوم فرهنگی همین است»(مصباح یزدی، ۱۳۹۴/ب: ۷۴). این عنصر به این علت عامل انحطاط است که هویت ما را به عنوان یک ملت، از بین می‌برد؛ دین ما را از ما می‌گیرد؛ اندیشه‌های اخلاقی ما را از بین می‌برد و تربیت اجتماعی، خانوادگی و فردی ما را تحت تأثیر فرهنگ خود قرار می‌دهد و اگر این روند ادامه پیدا کند، نسل آینده ما نه ایمان محکمی خواهند داشت، نه شناخت یقینی، نه جهان‌بینی روشنی، نه دستگاہ ارزشی محکمی و نه رفتار ثابتی که ناشی از هویت فرهنگی خودش باشد(همان: ۹۲-۹۱). به همین دلیل است که وی خطر تهاجم فرهنگی را عظیم‌تر از جنگ فیزیکی می‌داند(همان: ۱۲۲) که اگر غلبه پیدا کند، چیزی از اسلام نمی‌ماند.(همان: ۱۰۸)

آیت‌الله مصباح نقش غربی‌ها را در عقب‌نگهداشتن جوامع اسلامی بسیار مهم می‌داند. وی با تأکید بر این نکته که «فرهنگ غرب است که فسادانگیز می‌باشد و از آن جهت که سمبل انحطاط اخلاقی و مایه سقوط انسان است»(همان: ۳۰)، از تلاش کشورهای غربی برای گسترش فرهنگ غربی سخن گفته و تأکید می‌کند: «یکی از عللی که غرب می‌خواهد

فرهنگ خود را در همه دنیا گسترش دهد این است که می‌بیند دیگر کشورها از فرهنگ غنی برخوردارند و آفات فرهنگی در کشورهای غربی در آن کشورها وجود ندارد. از این رو، می‌کوشند آنها را نیز به عقب‌ماندگی و فساد بکشانند». (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۸۲)

چهار) سطحی‌نگری و ظاهر‌گرایی دینی

یکی از خطرناک‌ترین انحرافات که تأثیر بسزایی در انحطاط جوامع اسلامی دارد و همواره مورد نقد اندیشمندان دینی قرار گرفته، «سطحی‌نگری» و «ظاهر‌گرایی دینی» است. بدفهمی دین موجب انحراف در مسیر زندگی انسانها می‌شود؛ همان‌گونه که شخص بی‌دین از صراط مستقیم خارج می‌شود. فهم عمیق دین، نقطه‌مقابل سطحی‌نگری دینی به شمار می‌آید. از مظاهر «سطحی‌نگری» و «ظاهر‌گرایی دینی» می‌توان به جریان خوارج اشاره کرد.

از نگاه آیت‌الله مصباح، سطحی‌نگری و ظاهر‌گرایی دینی از عوامل عدم پیشرفت فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند. وی با شاهد آوردن برخی مقاطع تاریخی، نظیر ظاهر‌گرایی بنی‌اسرائیل در همسنگ دانستن گوساله‌سامری با معجزات نبی خدا و همین‌طور خیانت اهل کوفه به حضرت علی(ع) و بهانه‌جویی در یاری آن حضرت و فرزندانش امام حسن و امام حسین(ع)، این وقایع را معلول همین سطحی‌نگری‌ها دانسته و معتقد است: «همین ظاهر‌گرایی و پرهیز از ژرف‌نگری به قرآن و سنت نبوی و علوی، برخی از جوامع اسلامی را به انحراف و انحطاط کشانده است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/الف: ۱۲۹). گاهی جنگهای بی‌حاصل مذهبی و درگیری‌های جوامع اسلامی با یکدیگر با تمسک به آیات قرآن کریم و سنت نبوی انجام می‌گیرد که علت آنها قشری‌نگری و عدم تفکر عمیق در معارف اسلامی است.

پنج) خودباختگی و تقلید کورکورانه

از جمله عوامل مهمی که در انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان نقش دارد، عامل «خودباختگی» است. این پدیده بیش از هر چیز، معلول ذهنیت استبدادزده ملل اسلامی است که سالیان متمادی زیر یوغ بیدادگران عالم، قدرت اعتماد به نفس خود را از دست داده‌اند. خودباختگی مسلمانان موجب شده است تا همواره خود را در برابر غرب شکست خورده و ذلیل فرض کنند. به تعبیر شکیب ارسلان، یکی از اندیشمندان مسلمان: «مسلمانان در این روزگار، جداً عقیده دارند که هر جنگی میان مسلمانان و غیر مسلمانان در بر بگیرد، حتماً مسلمان شکست می‌خورد. هرچند این مبارزه طولانی باشد و رسیدن مسلمانان به پای فرنگی‌ها و غربی‌ها اصلاً محال است و سلطه غرب بر مسلمانان، یک امر حتمی است و قضا

و قدر الهی است که از ازل نوشته شده است». (مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۷۳: ۲۰۶)

یکی دیگر از ریشه‌های انحطاط فرهنگی، تعصب ویژه به رسوم نادرست آبا و اجدادی و قبیله‌ای است. این مسئله موجب پیدایش خصیصه‌ای نادرست به نام «تقلید کورکورانه» خواهد شد که سرانجامی جز انحطاط و عقب‌ماندگی و سقوط در ورطه شکست و اضمحلال نخواهد داشت. قرآن این گونه تقلیدهای کورکورانه را که منشأی جز تعصبهای نامعقول و غیر منطقی ندارد، محکوم کرده و از گرایش جوامع به سمت این سنت مذموم اکیداً نهی می‌کند. (بقره، ۱۷۰)

البته قرآن، تقلید کورکورانه را فقط منحصر به پایبندی جوامع به سنتهای غلط اجداد و نیاکان نمی‌داند؛ بلکه حتی تقلید کورکورانه از اجانب و قدرتهای خارجی را نیز موجب انحطاط فرهنگی یک جامعه به شمار می‌آورد: «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ» (احزاب: ۷). مشخص است که منظور آیه از دوستی اهل کتاب با کافران، فقط منحصر در علاقه صرف نیست؛ بلکه دوستی همراه با انواع گناه و تشویق به اعمال ناسالم است.

از دیدگاه آیت‌الله مصباح نیز از یکی دیگر عوامل فرهنگی عدم پیشرفت جوامع، خودباختگی و تقلید کورکورانه جمعی از خواص امت اسلامی از بیگانگان است. معمولاً کسانی که هویت دینی آنان ضعیف است، گرفتار این مشکل‌اند (بیانات در درس اخلاق دهه آخر ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۱). در اندیشه آیت‌الله مصباح، تقلید کورکورانه موجب می‌شود تا انسان با اشتغال به آن، خود را از هدایت‌های پربرکت وحی و معارف حقه و بلند آسمانی و سیر صحیح تفکر و راهنمایی‌های استوار عقلانی و داده‌های وسیع و عظیم تجربه‌های صحیح افراد و جوامع بشری و ارزشهای والای انسانی محروم سازد. به دیگر سخن؛ برخی از خواص به جای گزینش آنچه در فرهنگ غربی به حال جامعه اسلامی مفید است، تلاش می‌کنند چشم‌پسته از غربی‌ها پیروی کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴/الف، ج ۱: ۲۷۴)

این عامل خود از مسئله دیگری نشأت می‌گیرد که اسم آن را خودباختگی می‌گذارند. علامه مصباح یزدی معتقد است در هر جامعه‌ای قشرهایی وجود دارند که از حیث فکری و علمی توانا هستند؛ ولی از نظر ایمان، باور و درک دینی ضعیف‌اند که در زمان ما، نمونه روشن این دسته از افراد، روشنفکرهای غرب‌زده‌اند که در برابر افکار غربی، یک نوع

شیفتگی افراطی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/الف: ۱۰۵). به اعتقاد آیت‌الله مصباح، این گونه افراد به علت ضعف بنیه دینی، تصور کرده‌اند دین مانع و مزاحمی برای رسیدن به موفقیت‌های علمی و به دست آوردن رفاه مادی و آسایش در زندگی فردی و اجتماعی است. به همین سبب فکر می‌کنند باید دین به حاشیه رانده شود یا حتی آن را کلاً کنار بگذارند. اینان دل‌باخته غرب، استکبار و دنیای کفر شده و پذیرفته‌اند که دستاوردهای جهان غرب به خاطر کنار گذاشتن دین است (همان: ۱۰۶). در اندیشه آیت‌الله مصباح، خودباختگی، نشانه ضعف عقل است و این افراد دچار بیماری «بی‌هویتی» اند (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۱. شرط‌هایی از خودباختگی از نظر ایشان، اعتماد به عقل و ایمان است. (همان)^۲

۲. موانع سیاسی

یک) حاکمیت رهبران ناصالح

همان‌گونه که وجود رهبران صالح در یک جامعه، مقدمات تعالی آن جامعه را فراهم می‌سازد؛ وجود رهبران نالایق نیز موجب انحطاط و حرکت به سمت سقوط و عقب‌ماندگی آن جامعه خواهد شد. رهبران ناصالح، زمامداران ناسالمی‌اند که بر اساس حدیث معروف «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷: ۱۰۲)، جامعه را به سمت انحراف و کژی می‌کشاند. به همین سبب، خداوند در قرآن بر این نکته تأکید می‌فرماید که: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸). در واقع؛ تأکید قرآن بر رساندن امانت به دست صاحبان آن، تأکید بر سپردن امانت «حکومت» به دست «صاحبان صالح» است؛ زیرا رسیدن حکومت به دست صاحبان ناصالح، موجب سقوط جامعه خواهد شد. حاکمان نالایق، جامعه سیاسی را و در واقع کل حاکمیت را و به تبع آن ملت خود را به ورطه سقوط و نیستی می‌کشاند.

از منظر آیت‌الله مصباح نیز یکی از عوامل سیاسی عدم پیشرفت جوامع اسلامی، وجود رهبران و حاکمان ناصالح است. رهبر صالح از نعمت‌های مهم اجتماعی است که بهره‌مندی از دیگر نعمتها و شکوفا شدن استعدادها و رشد و پیشرفت مادی و معنوی در گرو آن است (بیانات در همایش غدیر قم)^۳. جامعه بدون رهبر صالح، جامعه‌ای است که راهش را گم کرده است (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۴. آیت‌الله مصباح، عقب‌ماندگی‌های مادی و معنوی مسلمانان را در گذشته و حال، معلول همین واقعیت دانسته و معتقد است: «عامل اصلی بروز چنین وضعیتی،

1. www.mesbahyazdi.ir/node/293
2. www.mesbahyazdi.ir/node/4877
3. www.mesbahyazdi.ir/node/3284
4. www.mesbahyazdi.ir/node/6335

فقدان رهبران صالح به عنوان محوریت جامعه اسلامی جهت هدایت جامعه اسلامی به سوی تعالی و سعادت، رفع اختلافات، جلوگیری از بروز فتنه‌ها و خنثی‌سازی نقشه دشمنان است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/ب، ج ۲: ۹۹)

دو) سلطه کفار و بیگانگان

نقش بسیار مهم سلطه استعمار را نمی‌توان در عقب‌ماندگی جوامع، به ویژه جامعه اسلامی نادیده گرفت. هرچند استعمار از لحاظ لغوی به معنای آباد کردن است؛ اما از لحاظ اصطلاحی، یک واژه سیاسی است که به حاکمیت گروهی از افراد بر مردم یا بر سرزمین دیگر اطلاق می‌شود. به دیگر سخن؛ منظور از استعمار، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی یا فرهنگی ملتی قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروزه با مفهوم امپریالیسم پیوستگی کامل یافته و اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود؛ یعنی قدرتی که می‌خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمینها و ملتها و اقوام دیگر را زیر تسلط خود درآورد (آشوری، ۱۳۸۰: ۲۷). این پدیده مذموم، به ویژه در کشورهای اسلامی سابقه‌ای دیرینه داشته و این سابقه، همراه با نقش تخریبی، موجب انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان شده است. نقش عامل «استعمار» در انحطاط جامعه اسلامی به قدری بوده است که سید جمال‌الدین اسدآبادی، ضربات آن را هم‌تراز با هجوم ویرانگر مغولها قرار می‌دهد؛ به طوری که موجب شد تا «افکار آن ملت [مسلمان] مختل و مغشوش شود و یک حالت دهشت و رکود در آن ملت پدید آورد». (اسدآبادی، بی‌تا: ۲۲۷-۲۲۶)

یکی از عوامل سیاسی عدم پیشرفت، سلطه بیگانگان است. آیت‌الله مصباح علت اصلی تلاش دشمنان برای سلطه را «دین‌ستیزی» و تلاش برای از بین بردن دین می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۷۰). وی معتقد است «اگر در جامعه اجازه داده شود که کسانی به اسلام هجوم بیاورند و مسلمانان در آن جامعه احساس حقارت کنند، این جامعه محیط مساعدی برای رشد انسان نیست» (همو، ۱۳۹۴/ب: ۴۸-۴۹). وی همچنین می‌گوید: «اگر در سطح بین‌المللی برای جوامع اسلامی، افتخار و عظمت و سیادت و عزت پذیرفته شد، زمینه رشد جوامع اسلامی فراهم می‌شود. اما اگر رفتار بین‌المللی به گونه‌ای باشد که موجب تحقیر اسلام و مسلمانان شود، یکی از عوامل شکست جوامع اسلامی فراهم خواهد شد.» (همان: ۴۹)

سه) تفرقه و کشمکش

از عوامل مهم سیاسی در انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان، عامل «اختلاف و تفرقه» است. این عامل که معلول عوامل مهمی نظیر فاصله گرفتن جامعه از اسلام اصیل، جدایی دین از

سیاست و مقام دینی و معنوی از مقام سیاسی و اجرایی و در یک کلام، تبدیل خلافت به سلطنت است؛ نقشی اساسی در انحراف و سقوط جامعه اسلامی ایفا کرده است. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص)، همان گونه که خود آن حضرت پیش‌بینی کرده بود، امت اسلام چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ فکری و عقیدتی گرفتار تفرقه و تشتت شد و به دسته‌ها و فرقه‌های گوناگون تقسیم شد. این تحزب و فرقه‌گرایی، سیمای واقعی اسلام را زیر هاله‌ای از پندارهای نادرست پنهان نگاه داشت؛ تا جایی که نه تنها درک حقیقت اسلام را برای یک انسان پژوهشگر بسیار مشکل ساخت، بلکه نیروهای رهایی‌بخش مسلمین را که می‌بایست در راه نجات انسانیت از دست صاحبان زر و زور و تزویر صرف شود، در راه اختلافات و صف‌بندی و تعصب و برادرکشی به هدر داد و نگذاشت رسالت واقعی خود را انجام دهند و جامعه اسلامی را به سمت پیشرفت و تعالی سوق دهند.

از منظر علامه مصباح نیز یکی از عوامل سیاسی عدم پیشرفت جوامع اسلامی، تفرقه و دو دستگی و چند دستگی در بین مسلمانان است. این یکی از روشهای دیرباز همه شیاطین (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۱ و ابزار دست فتنه‌جویان است که زمینه تسلط دشمن را فراهم می‌کند (همان)^۲. وی با استناد به فرمایشات امام علی (ع)، اختلاف، تشتت و پراکندگی را با عنوان عامل ذلت، بدبختی و سقوط جامعه ذکر می‌کند. (همان)^۳

به اعتقاد آیت‌الله مصباح، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، از سیاستهای دشمنان برای سلطه هرچه بیشتر بر امور جامعه اسلامی است (بیانات در جمع گروهی از دانشجویان و طلاب از سراسر کشور)^۴. همان گونه که یکی از اهداف مهم و اساسی دولتهای استعماری و انگلیس و آمریکا همین شیوه می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰/الف: ۱۰۳). وی ناهماهنگی و تفرقه میان مسلمانان را موجب هدر رفتن نیروها و نابودی جامعه اسلامی می‌داند. (بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی دریایی سپاه)^۵

چهار) تفکر جدایی دین از سیاست

ترویج و تبلیغ گسترده اندیشه «جدایی دین از سیاست»، نقش محوری در انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان داشته و دارد. یکی از اصلی‌ترین حربه‌های دشمنان اسلام برای عقب‌مانده نگه داشتن جامعه اسلامی، تبلیغ این ایده بود که اصولاً دین هیچ ارتباطی با سیاست

1. www.mesbahyazdi.ir/node/127
2. www.mesbahyazdi.ir/node/126
3. www.mesbahyazdi.ir/node/40
4. www.mesbahyazdi.ir/node/6723
5. www.mesbahyazdi.ir/node/2480

ندارد. این حربه با مؤلفه‌های خوش آب و رنگی به جامعه القا می‌شد؛ مؤلفه‌هایی از قبیل پاکی و پیراستگی دین و عالمان و آلودگی سیاست، ناسازگاری قدسی بودن دین با ناسوتی بودن سیاست، قداست دین و نقدپذیری سیاست و... و در قالب شبهاتی ظاهراً باورپذیر، فقط از بدین سبب ترویج می‌شد تا مسلمانان را به مسجد و محراب مشغول سازند و آنان را از آوردن دین به عرصه اجتماع بازدارند. این اندیشه در جهان اسلام اولین بار پس از رحلت پیامبر(ص) - غیر از دوره تقریباً پنج‌ساله خلافت امام علی(ع) - شکل گرفت. در دوران حاکمیت حاکمان اموی، سکولاریسم در تمام ابعاد آن؛ یعنی در ساحت سیاست، اقتصاد و فرهنگ اجرا شد. معاویه نظام الهی - مردمی پیامبر(ص) و امام علی(ع) را به نظامی سلطنتی و موروثی تبدیل کرد و به حذف «قرآن و سنت» به عنوان دو محور سکولاریستیز حکومت اسلامی همت گماشت. هرچند دین به ظاهر در رویه معاویه نقش محوری داشت، ولی بی‌غرض‌ترین انسان نیز می‌توانست به سیاست ماکیاولی و سالوس‌صفت و نیرنگ‌باز اولین حاکم امویان پی ببرد. به تعبیر سید قطب: «هنگامی که اموی‌ها روی کار آمدند و خلافت اسلامی به حکومت موروثی دودمان بنی‌امیه تبدیل شد؛ این به هیچ وجه خواست اسلام نبود، بلکه از یادگارهای دوران جاهلیت بود که تجلی و پرتوافکنی اسلام، آن را خاموش ساخته بود». (سید قطب، ۱۳۵۲: ۳۵۵)

حاکمان پس از معاویه نیز به ادامه روند سکولاریزه کردن جامعه دینی مبادرت ورزیدند. بعد از امویان، حاکمان عباسی نیز با استفاده ابزاری از دین، سیاست دنیاگرایانه‌ای را اتخاذ کردند. در دوران پس از عباسیان نیز این روند کاملاً پیگیری شد. در قرون گذشته نیز روند «جداسازی دین از سیاست» و «تضاد بین دین و علم» شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت. این روند، به ویژه در یک قرن اخیر به اوج خود رسید؛ به گونه‌ای که جوامع اسلامی این مسئله را تقریباً امری پذیرفته‌شده تلقی کردند.

آیت‌الله مصباح یکی از عوامل مهم سیاسی عدم پیشرفت جوامع اسلامی را تفکر جدایی دین از سیاست و سکولاریسم می‌داند. سکولاریسم، ایدئولوژی نانوخته‌ای است که کشورهای غربی و کشورهای در حال پیشرفت آن را پذیرفته‌اند (بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان و اساتید بسیجی استان قم).^۱ بر پایه این نظریه، اصولاً دین و سیاست همچون دو خط موازی‌اند که هیچ نقطه تلاقی‌ای با یکدیگر ندارند و مسیر آنها از یکدیگر جداست و هر یک به پایانی غیر از آنچه مقصد دیگری است، ختم می‌شود. دین حوزه خاصی دارد و سیاست

حوزه خاص دیگری؛ زیرا سیاست، تدبیر امور جامعه است و دین، رابطه شخصی است میان انسان با خدا (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/ب: ۶۰). به عبارتی دیگر؛ دین در حد محدودی که مربوط به عبادت و امثال آن است، حق دخالت دارد؛ اما مسائل علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی قضایی انسان ربطی به دین ندارد و انسان خود باید برای این مسائل تصمیم بگیرد. (بیانات در جمع گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)^۱

از نگاه آیت الله مصباح، سیر تاریخی این تفکر در طول زندگی بشر بوده و بعد از رنسانس، این فکر به نام سکولاریسم معروف شد. در اسلام نیز از روز رحلت پیامبر (ص) سکولاریزم شروع و باعث جریان سقیفه شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/ب: ۶۸؛ بیانات در جمع گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)^۲. اولین نظریه پرداز سکولاریسم در تاریخ اسلام، معاویه بوده است (همان: ۶۹). وی سکولاریسم را اعتقاد دشمنان اسلام دانسته (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب خارجی عرب زبان)^۳ که بخش عظیمی از مشکلات جامعه ما نیز به خاطر همین نوع تفکر است (بیانات در جمع کاروان پیاده عاشقان حسینی)^۴ و ریشه مفاسد اجتماعی و بزرگترین خطر برای اسلام و خیانت به خون شهیدان قلمداد شده (بیانات در جمع تعدادی از مسئولان نیروی انتظامی کشور)^۵ و از خطرناکترین گرایشها برای افکار و نظریات دینی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/ب: ۸۵)

۳. موانع اجتماعی

یک) تعصبات نابجای قومی، نژادی و مذهبی

ملی گرایی و تعصبات قومی و قبیله‌ای که امروزه با عنوان «ناسیونالیسم» معروف شده، به معنای اصالت دادن به تعلقات قومی و ملی است؛ یعنی انسان خود را به سبب برخی تعلقات، از قبیل داشتن سرزمین و قانون مشترک یا داشتن خون و نژاد مشترک یا به عللی از این قبیل، متعلق به قوم و ملتی بشمارد و خود را از انسانهای دیگر جدا بداند و همواره توجه خود را به تأمین منافع ملی، ولو مستلزم زیان دیگران باشد، معطوف گرداند (سادات، ۱۳۶۰: ۲۲). هر چند می‌توان از ملی گرایی و ناسیونالیسم برای وحدت ملی و انگشت گذاشتن بر تهدید بیگانگان یا عملی ساختن موقعیت برابر برای یک ملت و در برابر ملل دیگر استفاده کرد (رابرتسون، ۱۳۷۵: ۳۰۷) یا آن را برای تأکید بر مصالح و منافع ملی و دفاع از حقوق و منافع یک ملت در برابر تهاجم و تجاوزات احتمالی ملتهای دیگر، امری قابل پذیرش به شمار آورد؛ ولی واقعیت آن

1. www.mesbahyazdi.ir/node/4240
2. www.mesbahyazdi.ir/node/4240
3. www.mesbahyazdi.ir/node/7256
4. www.mesbahyazdi.ir/node/5597
5. www.mesbahyazdi.ir/node/6275

است که قومیت‌گرایی و ملی‌گرایی و آنچه امروزه در بستر تفکر جدید غربی به عنوان مرام ناسیونالیسم و با ویژگی‌هایی چون سکولاریسم مطرح می‌شود، آسیب جدی برای جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

تعصبات قومی که از آن به «عصبیت» نام برده می‌شود، مورد نهی شدید قرآن نیز قرار گرفته است. خداوند متعال از این مسئله با عنوان «حمیت جاهلی» نام برده و مسلمانان را از ابتلا به این معضل انحطاط‌آمیز پرهیز می‌دهد (فتح: ۲۶). تعصب قومی که به تعبیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، «عامل عقب‌ماندگی انسانها» به شمار می‌آید (اسدآبادی، بی‌تا: ۱۳۷)، از دوران قبل از بعثت پیامبر (ص) و در جزیره‌العرب به شدت رایج بود. در مجموع باید ملی‌گرایی و تعصبات بیهوده قومی و قبیله‌ای را از عمده‌ترین دلایل و عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمین از دیدگاه مصلحان اسلامی به شمار آورد. به تعبیر شهید مطهری: «مسئله ملیت‌پرستی در عصر حاضر برای جهان اسلام مشکل بزرگی به وجود آورده. گذشته از اینکه فکر ملیت‌پرستی بر خلاف اصول تعلیماتی اسلامی است؛ زیرا از نظر اسلام همه عنصرها علی‌السواء هستند، این فکر مانع بزرگی است برای وحدت مسلمانان». (مطهری، ۱۳۶۸: ۵۰)

از منظر آیت‌الله مصباح نیز تعصبات نابجای قومی، نژادی و مذهبی، یکی از عوامل اجتماعی عدم پیشرفت جوامع اسلامی به شمار می‌آید. وی با استناد به یکی از فرمایشات امام علی (ع) مبنی بر مذمت تعصبات نابجای مذهبی، قومی و نژادی، تأکید می‌کند: «از جمله اسبابی که پشت‌امتهای گذشته را شکست و توان آنها را به سستی تبدیل کرد، آن بود که دل‌هایشان از کینه لبریز گشت، نسبت به هم دشمنی ورزیدند و دست یاری همدیگر را رها کردند». (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۱

به اعتقاد آیت‌الله مصباح، رسول اکرم (ص) عمری خون دل خورد تا تعصبات نابجای قومی عربها را براندازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱/الف: ۱۱۲). وی اختلافات قومی، نژادی و حتی مذهبی را از ملاکهای غیر قابل قبول از نظر اسلام می‌داند (همو، ۱۳۹۷/الف: ۱۷۳) و یکی از بهترین راه‌های ایجاد اختلاف را تکیه بر اختلافات قومی و نژادی برمی‌شمارد (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۲. دشمنان یک نظام تلاش خواهند کرد تا برای متلاشی کردن و تضعیف جامعه، از این زمینه‌ها بهره برده، به اختلافات دامن زنند و آنها را تشدید کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/الف: ۱۷۳). در اندیشه وی، اختلاف میان گروه‌های مختلف جامعه، سبب خواهد شد تا نیروهای جامعه در اثر

1. www.mesbahyazdi.ir/node/42
2. www.mesbahyazdi.ir/node/6265

اصطکاک، تحلیل رفته؛ قدرت پیشرفت را از دست بدهند. تردیدی نیست که با رو در رو قرار گرفتن دو عامل متضاد، نیروی زیادی صرف خواهد شد تا عامل مقابل تضعیف شود. در صورتی که یکی از دو طرف، قوی‌تر از دیگری باشد، به پیشرفت محدودی نایل می‌شود؛ اما در صورت برابر بودن قدرت آنها، هر دو طرف از فعالیت و پیشرفت بازمی‌مانند. دشمنان جامعه اسلامی نیز با استفاده از اختلافاتی که درون یک جامعه وجود دارد، سعی می‌کنند که این اختلافات را تشدید کنند تا منجر به دشمنی و تخاصم شود و قدرت و توانایی دو طرف، در رویارویی با یکدیگر مصرف شود و زمینه بازماندن آنها از ترقی، تکامل و پیشرفت فراهم شود. (همان)

دو) شکل‌گیری هویت‌های جدید بر اساس ارزش‌های غیر اسلامی

یکی دیگر از عوامل اجتماعی عدم پیشرفت جوامع اسلامی، شکل‌گیری هویت‌های جدید بر اساس ارزش‌های غیر اسلامی است. این معضل با تغییر هویت اصیل اسلامی صورت می‌پذیرد. تغییر هویت نیز با تغییر باورها و ارزش‌ها صورت می‌پذیرد که به تعبیر آیت‌الله مصباح، راهبرد مهم فتنه‌گران است (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). وی رکن ساختن هویت انسان را افکار و اعتقادات صحیح می‌داند که «باید با تسلط بر اراده، به دانسته‌ها عمل کرد و این همان کاری است که در اصطلاح اسلامی، تعلیم و تزکیه نامیده می‌شود». (بیانات در دیدار گروهی از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه زابل و جامعه اسلامی دانشجویان شیراز)^۱

از نگاه آیت‌الله مصباح، شکل‌گیری هویت‌های جدید، بیش از هر چیز، معلول فراموشی هویت اصیل انسان است که به غفلت از «خود انسانی» تعبیر می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/الف: ۶۲). به اعتقاد ایشان، اگر انسان «خود انسانی» خویش را فراموش کند، به چنین ورطه‌ای از سقوط گرفتار می‌آید (همان). او از «هویت انسانی» انسان، با تعبیری مانند «هویت الهی»، «هویت ملکوتی» (در مقابل هویت ناسوتی) و نظایر آن یاد می‌کند (همان: ۶۳). آیت‌الله مصباح با استناد به آیه نوزدهم سوره حشر^۲ نتیجه می‌گیرد که آن «خود انسانی» انسان هر چه هست، با «خدا» ارتباط دارد؛ چرا که از یاد بردن خدا با از یاد بردن خود ملزم دانسته شده است. اگر کسی خدا را فراموش کرد، خود را نیز فراموش خواهد کرد. از همین جا می‌توان رابطه و ملازمه دیگری را نیز کشف کرد و آن اینکه، اگر کسی به خود حقیقی و انسانی خود توجه داشته

1. www.mesbahyazdi.ir/node/3759

۲. «الَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ»

باشد و آن را فراموش نکند، به خدا نیز توجه خواهد داشت و خدا را نیز از یاد نخواهد برد. (همان: ۶۴-۶۳)

سه) تنبلی و سستی

تنبلی و سستی یا به تعبیر دیگر؛ خمودی، بی‌تحرکی و رکود را نیز می‌توان از عوامل عقب‌ماندگی جوامع به شمار آورد. همین که فرد یا جامعه‌ای دچار خمودی شود، از حرکت که ویژگی و نشانه حیات است، می‌ایستد و سرزندگی خویش را از دست می‌دهد. حتی اگر فرد یا جامعه‌ای از کمال و رشد کافی برخوردار باشد، به محض اینکه دچار خمودی و بی‌تحرکی شود، از ادامه راه باز می‌ماند و نسبت به دیگران، که در تکاپو و حرکت‌اند، واپس می‌افتد و توقفش عین عقب‌ماندنش می‌شود. برعکس، اگر فرد یا جامعه‌ای، هرچند عقب‌مانده و منحط، بر خمودی و بی‌تحرکی چیره شود و آماده جنبش و حرکت شود، نخستین گام را برای رشد و تعالی خویش برداشته است. بنابر این، خمودی و تحرک را باید نخستین شرط انحطاط و رشد دانست. (اسفندیاری، ۱۳۷۶: ۲۱-۲۰)

یکی از عوامل اجتماعی عدم پیشرفت از منظر آیت‌الله مصباح نیز تنبلی و سستی است. به اعتقاد وی: «برخی از مسلمانان، زهد را به تنبلی و توکل را به بی‌کاری و بیکاری معنا می‌کنند و آن‌گاه نتایج سوء تنبلی و بیکاری را به دین نسبت می‌دهند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/الف: ۱۸۸). وی با تأکید بر این نکته که معنای زهد و توکل از نگاه اسلام، تنبلی و بیکاری نیست؛ می‌افزاید: «اشکال در ما است که این دو مفهوم را بد معنا می‌کنیم و برداشت غلطی از آنها داریم. دو مفهومی که می‌توانند در رفتار و شخصیت فرد و ترقی و پیشرفت جامعه تأثیراتی بسیار مثبت داشته باشند، در اثر برداشتهای غلط ما به عواملی بازدارنده تبدیل شده‌اند.» (همان)

۴. موانع اقتصادی

در تبیین موانع اقتصادی پیشرفت، عمده‌ترین نظر آیت‌الله مصباح بر عنصر «عدم پابندی به احکام اسلام در حوزه اقتصادی» استوار است. این عنصر را می‌توان با عواملی نظیر اسراف و تبذیر، رباخواری، دنیاطلبی، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی تبیین کرد.

یک) اسراف و تبذیر

یکی از عوامل اقتصادی عدم پیشرفت جوامع اسلامی، اسراف و تبذیر است. اسراف و تبذیر دو صفت مذمومی‌اند که مورد کراهت شدید قرآن قرار دارند؛ تا آنجا که خداوند، جامعه متصف به این دو صفت را خارج از دایره محبت خویش قرار داده (انعام: ۱۴۱) و همراه و برادر شیطان می‌خواند (اسراء: ۲۶). اسراف و تبذیر و زیاده‌روی در مصرف، موجب اتلاف سرمایه‌های

مادی و معنوی می‌شود و از لحاظ اقتصادی، جامعه را دچار عقب‌ماندگی و سقوط می‌کند؛ زیرا اتلاف سرمایه موجب عدم پیشرفت و تعالی جامعه می‌شود و این مهم چیزی جز انحطاط معنا نمی‌یابد. به همین سبب خداوند اسراف‌کنندگان را مفسدان روی زمین می‌خواند و از پیروی آنان به شدت نهی می‌فرماید. (شعرا: ۱۵۲-۱۵۱)

آیت‌الله مصباح با تحلیل آیات قرآن، اسراف و تبذیر را از نشانه‌های کارها و دعوت‌های شیطنانی (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۲۹۹)، تبعیت از شیطان و نشانه برادری با شیطان ذکر می‌کند (همان: ۲۹۳) وی بر پرهیز از اسراف از نگاه ائمه و به ویژه حضرت امیر (ع) تأکید کرده (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۱ و آن را نشانه ضعف ایمان می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۲۹۳). از نگاه وی، اسراف و تبذیر، دو زیان و دو مشکل عمده برای جوامع دارد؛ از یک سو خودشان را از بهره‌بری کامل از نعمت عقل و دل و سایر نعمتهای روحی و حکمت و معرفت و معنویت محروم می‌سازند و از سوی دیگر، سبب محروم شدن دیگران از همین نعمتهای مادی برای حداقل تغذیه و تأمین نیازهای جسمی به منظور ادامه زندگی و کسب سلامتی و نیرو می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴/الف: ۲۰۱). راه چاره برای رهایی از این بحران، توصیه به رعایت حد اعتدال در مصرف نعمتهای مادی است (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۲ که از نشانه‌های مؤمنین و شیعیان به شمار می‌آید. (همان)^۳

دو) رباخواری

«ربا» در اصطلاح بر مقدار زیادتی از اصل پول یا جنس که به دیگری پرداخت می‌شود، اطلاق می‌شود. ربا مانند سایر مفاصد اقتصادی از قبیل رشوه، گرانفروشی و... موجب برهم خوردن نظام اقتصادی و به وجود آمدن فضای ضد ارزشی در حیطه مسائل اقتصادی می‌شود و همین مسئله بر انحطاط و انحراف جامعه دامن می‌زند. خداوند متعال نیز در آیات گوناگون قرآن بر خطر سقوط جامعه به واسطه آلودگی در دام ربا تأکید کرده و جوامع انسانی را از سقوط در این مهلکه خطرناک باز می‌دارد. در یکی از این آیات، ضمن نهی مؤکد از رباخواری، تأکید می‌کند از این «عمل زشت» پرهیز کنید تا بدین وسیله به «سعادت و رستگاری» برسید (آل عمران: ۱۳۰). در آیه‌ای دیگر رباخواران به افرادی اطلاق شده است که به واسطه فریب شیطان، دیوانه شده‌اند (بقره: ۲۷۵). همچنین خداوند رباخواران را افرادی جهنمی و بد عاقبت ذکر می‌کند و وعده می‌دهد که هیچ انسانی موفق نخواهد شد از سود ربا استفاده

1. www.mesbahyazdi.ir/node/85
2. www.mesbahyazdi.ir/node/93
3. www.mesbahyazdi.ir/node/85

کند؛ زیرا خداوند سود ربا را نابود می‌سازد (بقره: ۲۷۸). خداوند، جامعه رباخوار را جامعه‌ای می‌داند که به جنگ خدا و رسولش رفته است (بقره: ۲۷۹) و بدین سان بر «انحطاط‌آمیز بودن» این پدیده ناصواب تأکید می‌کند.

یکی از پرکاربردترین اصطلاحات در بیانات آیت‌الله مصباح یزدی، مسئله ربا و تقبیح رباخواری است. وی با استناد به آیات الهی، این عامل انحطاط‌زا را به مثابه جنگ با خدا دانسته (بیانات در همایش ناظران شورای نگهبان)^۱، آن را بازی با دین خدا و استهزای دین (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۲ می‌داند و خواهان آتش‌بس در این جنگ است (بیانات در همایش ربا)^۳. وی، فرد رباخوار را مسلمان نمی‌داند؛ زیرا اسلام به معنای تسلیم بودن در برابر خداست، در حالی که این امر اعلان جنگ با خداست (بیانات در جمع کاروان پیاده عاشقان حسینی، زائران خمینی).^۴ آیت‌الله مصباح عمق فاجعه را آنجا می‌داند که در جامعه اسلامی، رباخواری در گذشته اعلان جنگ با خدا بوده، اما امروز این کار عین جهاد فی سبیل الله است! (بیانات در دیدار با جمعی از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام)^۵ و این مسئله را نشانه افول فرهنگ قلمداد می‌کند (بیانات در دیدار با سردار نقدی و جمعی از اعضای جنبش مردمی چهل سالگی انقلاب اسلامی).^۶ در اندیشه آیت‌الله مصباح، رباخواری آنچنان آثار مخربی دارد که اقتصاددانان برجسته دنیا اعتراف می‌کنند که هر کشوری که به بحران اقتصادی مبتلا شده، در اثر رباخواری است (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری).^۷ ضمن اینکه ساقط شدن چند کشور اروپایی و بحران مالی غرب به علت همین معضل است (بیانات در دیدار با جمعی از کارمندان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح).^۸ به اعتراف اقتصاددانان مسلمان کشور ما نیز سقوط اقتصادی سالهای اخیر در کشور، معلول وجود بانکداری‌های جدیدی است که مبنای آنها بر اساس رباست. (بیانات در جمع طلاب مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر عجل‌الله فرجه)^۹

سه) دنیاطلبی، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی خواص

یکی از نمادهای عینی انحطاط فرهنگی در جوامع بشری، پرداختن به عیاشی و خوشگذرانی و تمایل به تجمل‌خواهی است. خداوند در قرآن، گروه خوشگذرانِ غوطه‌ور در تجملات و

1. www.mesbahyazdi.ir/node/336
2. www.mesbahyazdi.ir/node/5117
3. www.mesbahyazdi.ir/node/184
4. www.mesbahyazdi.ir/node/5597
5. www.mesbahyazdi.ir/node/6754
6. www.mesbahyazdi.ir/node/7224
7. www.mesbahyazdi.ir/node/6415
8. www.mesbahyazdi.ir/node/2961
9. www.mesbahyazdi.ir/node/5953

فساد را با عنوان «مُتْرِفین» نام می‌برد (سبأ: ۳۵-۳۴) و سرانجام آنان را هلاکت، انحطاط و سقوط می‌داند (قصص: ۵۸). به تعبیر قرآن، تمام مظاهر انحطاط فرهنگی جوامع در شخص «مُتْرِف» متبلور است؛ مظاهری از قبیل فسق و فساد (اسراء: ۱۶)، ظلم (انبیاء: ۱۳-۱۲) و جرم و عیاشی (مؤمنون: ۶۴-۶۷). شخص عیاش و مُتْرِف، به علت گرفتاری به مفاسدی از قبیل تن‌پروری و غوطه‌ور شدن در فساد، جامعه را نیز به مانند خود گرفتار و آلوده خواهد کرد و این مسئله موجب انحطاط و سقوط جامعه خواهد شد. از نگاه علامه مصباح، دنیاطلبی به ویژه دنیاطلبی خواص، ریشه همه دردهای ما (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۶۵) و روح همه ضعفها و معایب (بیانات در دیدار با جمعی از اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری)^۱ و علت کژی‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی (بیانات در دفتر مقام معظم رهبری)^۲ و اقتصادی به شمار می‌آید. از دیدگاه وی، شیعیان واقعی بی‌اعتنا به دنیا می‌باشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/ب، ج ۱: ۳۹۱) و دل‌کنند از دنیا، راه نجات جامعه از سقوط است (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب خارجی)^۳. وی در راستای تبیین دنیاطلبی، به شرح ذیل به سه نشانه مؤثر آن اشاره می‌کند.

پیروی از هوای نفس: آیت‌الله مصباح معتقد است که گرایش عموم مردم به شهوات، از مهم‌ترین علل شکستها و سقوطها از منظر قرآن کریم است (بحث و گفت و شنودی میان آیت‌الله مصباح یزدی و پروفیسور عبدالحلیم هربرت)^۴. از نگاه وی، عامل انحراف انسان، دو چیز است: نخست اینکه، نمی‌داند و دیگری آنکه، می‌داند ولی نمی‌خواهد؛ یعنی برای اطاعت خدا انگیزه ندارد، بلکه دل‌بستگی‌های به دنیا و هوسهای نفسانی مانع او می‌شود. (بیانات در همایش ناظران شورای نگهبان)^۵

رواج فرهنگ شکم‌بارگی و شهوترانی: نشانه دوم از نگاه آیت‌الله مصباح، رواج فرهنگ شکم‌بارگی و شهوترانی است. به تعبیر آیت‌الله مصباح: «اگر یک تمدن از نظر شکلی فوق‌العاده پیشرفته باشد، اما بر فرهنگ شکم‌بارگی و شهوترانی تکیه کند، این تمدن هیچ ارزشی ندارد و از نظر اسلام، عقب‌افتاده است». (بیانات در دیدار با طلاب حوزه علمیه رشد)^۶

تجمل‌گرایی: سومین نشانه دنیاطلبی، تجمل‌گرایی است. از نگاه آیت‌الله مصباح، توجه بیش از حد به ظواهر به جای توجه به وظایف مهم دینی، در حال پررنگ شدن و ارزشهای

1. www.mesbahyazdi.ir/node/4444
2. www.mesbahyazdi.ir/node/6421
3. www.mesbahyazdi.ir/node/7213
4. www.mesbahyazdi.ir/node/175
5. www.mesbahyazdi.ir/node/336
6. www.mesbahyazdi.ir/node/5792

اسلامی در حال فراموش شدن است. (بیانات در جمع تعدادی از خواهران گروه فرهنگی منتظران مهدی-عج)^۱

وی برای تبیین ابعاد آسیب و پیامدهای تجمل‌گرایی به یک نمونه خاص اشاره می‌کند. در نگاه آیت‌الله مصباح، امروزه تجمل‌گرایی سبب شده که هزینه‌های گزافی صرف ازدواج شود؛ وقتی ازدواج دشوار شد و جوان نتوانست ازدواج کند، فساد زیاد خواهد شد و طبیعی است جوانی که به فساد و هرزگی عادت کرد، تن به کار نمی‌دهد و به دنبال پول هنگفت بدون زحمت است. لذا به دنبال فسادهای مالی از قبیل رشوه، گرانفروشی، اختلاس و نظایر آنها می‌رود. (بیانات در دیدار با جمعی از بسیجیان استان زنجان)^۲

د) نتیجه‌گیری

از مطالب مطرح شده درباره موانع پیشرفت و تعالی جوامع اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه وی، نظریات پیشرفت، در واقع هدایت و راهنمایی جوامع انسانی به سوی اهداف و غایات مد نظر است. به همین سبب هر مکتبی بسته به تعریفی که از انسان و اهداف نهایی آن دارد، مقوله پیشرفت و عقب‌ماندگی و انحطاط را تعریف می‌کند. اینکه کدام جامعه پیشرفته است و کدام جامعه عقب‌مانده، بسته به نوع نگاه هر مکتب فرق می‌کند.

با توجه به تعریفی که اسلام از انسان و سعادت بشری دارد، الگویی که برای پیشرفت ارائه می‌دهد، الگوی خاصی است. اسلام، پیشرفت واقعی را پیشرفت انسانیت و فراهم شدن زمینه‌های رسیدن انسانها به قرب الهی می‌داند. البته وی معتقد است بدن مادی، ابزاری برای این پیشرفت است که نباید از آن غفلت کرد؛ اما در حدی که ضرری به پیشرفت معنوی وارد نکند. واژه مناسب‌تری که ایشان برای بیان مفهوم پیشرفت ارائه می‌دهد، واژه «تکامل» یا «استکمال» است.

علامه مصباح یزدی موانع پیشرفت جوامع اسلامی را در چهار ساحت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جستجو می‌کند. از منظر ایشان، مهم‌ترین موانع در ساحت فرهنگی عبارتند از: عدم شناخت اسلام، سلطه فرهنگی بیگانگان، ضعف باورهای دینی، سطحی‌نگری و ظاهر‌گرایی، خودباختگی و تقلید کورکورانه؛ مهم‌ترین موانع در ساحت سیاسی عبارتند از: حاکمیت رهبران ناصالح، سلطه کفار و بیگانگان، تفکر جدایی دین از سیاست؛ مهم‌ترین

1. www.mesbahyazdi.ir/node/5873

2. www.mesbahyazdi.ir/node/5756

موانع پیشرفت جوامع اسلامی از منظر علامه محمدتقی مصباح... ۴۵

موانع در ساحت اجتماعی عبارتند از: تعصبات نابجای مذهبی و قومی و نژادی، تفرقه و کشمکشهای اجتماعی و شکل‌گیری هویت‌های جدید بر اساس ارزشهای غیر اسلامی و مهم‌ترین موانع اقتصادی پیشرفت نیز عبارتند از: اسراف و تبذیر، رباخواری و دنیاطلبی و اشرافی‌گری خواص.

منابع

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). **دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی)**. تهران: مروارید، چ ششم.
- ابن فارس، ابی‌الحسن احمد (۱۳۸۷). **ترتیب مقایس اللغة**. ترتیب و تنقیح: سعیدرضا علی‌عسگری و حیدر مسجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۷۶). **خمود و جمود (تحقیقی دربارهٔ تحجر فکری و تحجر عملی)**. تهران، باز.
- امیری، حشمت (۱۳۸۸). «**سلطهٔ فرانویین فرهنگی**». پژوهش فرهنگی. سال دهم، دورهٔ سوم، ش ۸: ۵۹-۳۵.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲). **لغتنامه دهخدا**. تهران: دانشگاه تهران.
- رابرتسون، دیوید (۱۳۷۵). **فرهنگ سیاسی معاصر**. ترجمهٔ عزیز کیاوند. تهران: البرز.
- سادات، محمدعلی (۱۳۶۰). **مکتبها و اصطلاحات سیاسی**. تهران: هدی.
- سیاح، احمد (۱۳۷۹). **فرهنگ دانشگاهی**، جلد ۱ [ترجمهٔ المنجد الابدی]. تهران: فرحان.
- سید قطب (۱۳۵۲). **عدالت اجتماعی در اسلام**. ترجمهٔ محمدعلی گرامی و سید هادی خسروشاهی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چ هشتم.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). **فرهنگ عمید**. تهران: راه رشد.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). **بحار الانوار**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- **مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی (۱۳۷۳)**. تهران: مرکز مطالعات تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱/الف). **آفتاب مطهر: زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی علامه شهید آیت‌الله مرتضی مطهری**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲/الف). **آیین پرواز**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ هفتم.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴/الف). **اخلاق در قرآن**، جلد ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ هشتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷/الف). **انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوازدهم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱/ب). **پرسشها و پاسخها**، ج ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ هشتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). **پیام مولا از بستر شهادت**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴/ب). **تهاجم فرهنگی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوازدهم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵). **جهان‌شناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن ۲)**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷/ب). **حکیمانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰/الف). **در جستجوی عرفان اسلامی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). **زالال نگاه**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰/ب). **سیمای پیامبر اعظم (ص) در آینه نهج البلاغه**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲/ب). **سیمای سرافرازان**، جلد ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). **طوفان فتنه و کشتی بصیرت**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ هشتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). **عبرتهای خرداد**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ سوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷/ج). **مباحثی درباره حوزه**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ هفتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷/د). **«تکامل در انسانیت و رسیدن به قرب الهی همان پیشرفت حقیقی است»**. فرهنگ پویا، ش ۳۸: ۳۵-۲۷.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). **خدمات متقابل اسلام و ایران**. قم: صدرا، چ پانزدهم.
- معین، محمد (۱۳۶۰). **فرهنگ معین**. تهران: امیرکبیر، چ دوم.
- <http://www.mesbahyazdi.ir>
- **The Holy Quran.**
- Amid, Hassan (2010). **Farhang Amid**. Tehran: Rah Roshd.
- Amiri, Heshmat (2009). **“Trans modern Cultural Dominance”**. *Cultural Research Quarterly*, Year 10, Vol. 3, No: 8: 35-59.
- Ashouri, Dariush (2001). **Political encyclopedia (Dictionary of political terms and sects)**. Tehran: Morwarid Publishing House, 6th edition.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1963). **Dehkhoda dictionary**. Tehran: University of Tehran.
- Esfandiari, Mohammad (1997). **Khamoud and Jamoud (a research on intellectual petrification and practical petrification)**. Tehran: Baz publication.
- Ibn Fares, Abi al-Hassan Ahmad (2008). **Tartib Maghaees al-Loghat**. Arrangement and revision: Saeed Reza Ali Asgari and Haidar Masjidi. Qom: Research Institute of Howzah and University.
- Majlesi, Mohammad Baqer (1983). **Bihar al-Anwar**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012). **Aftab Motahhar: Life, Thought and Scientific and Cultural Services of Allameh Shahid Ayatollah Morteza Motahari**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Edition: IV.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013). **Ayin Faraz**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 7th edition.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2016). **Cosmology (Collection of Qur'anic Education Books 2)**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Edition: II.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015). **Cultural Invasion**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 12th edition.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018). **Discussions about Hawzah**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 7th edition.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015). **Ethics in the Qur'an**, Vol. 1. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, eighth edition.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018). **“Evolution in humanity and reaching closeness to God is the same as true progress”**. *Farhang Poya Quarterly*, 38: 27-35.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2011). **In Search of Islamic Mysticism**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Edition: IV.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018). **Islamic Revolution and its roots**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 12th edition.

- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2010). **Khordad lessons**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, edition: 3rd.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2009). **Mola's Message from the Martyrdom Bed**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Edition: IV.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012). **Questions and answers**, second Volume. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, edition: 8th.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013). **Simaye Sarafrazan**, first volume. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2011). **The face of the great prophet (pbuh) in the mirror of Nahj al-Balagha**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2017). **The Storm of Sedition and the Ship of Insight**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 8th edition.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018). **The wisest government: an exploration of the theory of religious authority**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, edition: 4th.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2014). **Zolal Negah**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Edition: II.
- Moin, Mohammad (1981). **Farhang Moin**. Tehran: Amir Kabir, second edition.
- Motahhari, Morteza (1989). **Mutual services of Islam and Iran**. Qom: Sadra, print: 15th.
- **Proceedings of the First International Conference on Islamic Culture and Civilization** (1994). Tehran: Center for International Cultural Research Studies.
- Robertson, David (1996). **Contemporary Political Culture**. Translated by: Aziz Kiavand. Tehran: Alborz Publishing House.
- Sadat, Mohammad Ali (1981). **Political sects and terms**. Tehran: Hoda.
- Sayyah, Ahmad (2000). **Academic Dictionary**, Vol. 1 [Translation of al-Munjid al-Abjadi]. Tehran: Farhan Publishing.
- Seyyed Qutb (1973). **Social justice in Islam**. Translated by: Mohammad Ali Gerami and Seyed Hadi Khosroshahi. Tehran: Publishing Corporation, 8th edition.
- www.mesbahyazdi.ir